

کیهان

بین‌الطلوعین فاصله زمانی از طلوع فجر و اذان صبح تا طلوع آفتاب است که حدود یک ساعت و نیم طول می‌کشد. در روایات از این زمان به ساعتی از ساعات بهشت یاد شده و آثار و برکاتی برای آن بیان شده که انسان به این نتیجه می‌رسد که اگر می‌خواهد خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت را داشته باشد و از بدبختی‌ها رهایی یابد می‌بایست در این ساعات بهشتی بیدار بماند؛ چرا که فرشتگان در حال تقسیم روزی هستند و اگر خواب بمانی از همه چیز باز ماندی. نویسنده در مطلب حاضر با مراجعه به آیات و روایات نقش کلیدی این ساعت از شبانه روز را تبیین کرده است.

ساعتی از ساعات بهشت

از نظر فلسفی میان لحظات زمانی هیچ تفاوتی نیست؛ چون زمان یک بعد از ابعاد ماده است که از آن به بعد چهارم پس از طول و عرض و عمق یاد می‌شود. زمان به سبب اینکه انتزاعی‌تر از این سه بعد است، به نظر می‌رسد که کم تأثیری از دیگر ابعاد مادی باشد؛ و ویژه آنکه زمان در زمین با زمان در مریخ و مشتری و مریخزاد و دیگر سیارات بسیار متفاوت است. این بیست و چهار ساعت در زمین در سیاره دیگر چیز دیگری است. از طرفی زمان فاصله حرکت یک چیز از مبدا به مقصد است و این فاصله به طور طبیعی تفاوتی ندارد مگر همان تفاوت شبان جرم و امور دیگری که به حوزه فیزیک و طبیعت و یا فلسفه مربوط است.

اما بر اساس آموزه‌های قرآنی انسان چون در عالم ماده است، اسیر و محاط به احکام و سنت‌ها و قوانین حاکم بر آن است. از این رو ماده به شکلی بر انسان احاطه دارد و باید این احکام و قوانین را بشناسد و به درستی از آن به نفع خود بهره ببرد. آموزه‌های قرآنی بر این نکته تأکید دارد که روزها و ساعت‌ها و زمان‌های شبانه روز با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت چنان روشن و برجسته است که سرنوشت انسان را تغییر می‌دهد و خوشبختی و بدبختی را موجب می‌شود. سحرگاهان از جمله زمان‌هایی است که مورد تأکید قرآن قرار گرفته و نماز شب در آن استغفار، راهی است که انسان را به مقام احسان می‌رساند(ذاریات، آیه ۱۶ تا ۱۸) یکی دیگر از ساعات بسیار مهم در طول شبانه روز، بین‌الطلوعین است. بین‌الطُوعِین، فاصله زمانی میان مدین صبح صادق (طلوع فجر) و طلوع آفتاب است. بین‌الطلوعین در حقیقت همان زمانی است که هوا تقریباً گرم و مهیب شده است. در قرآن از ساعاتی پیش از طلوع خورشید برای دعا و ذکر خدا، یاد شده و دعاهای و ذکرهای از معصومین برای این ساعات ذکر شده است. خداوند می‌فرماید: فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَفْتُلُونَ وَنَحْبِرْ بِحَدَمِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ أَنَاةِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَقُرْآنًا لَّيْلَةً نَّكَتَ لُزْجِي: پس بر آنچه می‌گویند شبکیا باش، و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از غروب آن، با ستایش پروردگارت او را تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی.(طه، آیه ۱۳۰)

همچنین در آیه ۳۹ سوره ق می‌فرماید: فَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَفْتُلُونَ وَيَسْبِغْ يَخْضِدْ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ و بر آنچه می‌گویند صبر کن، و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب، به ستایش پروردگارت تسبیح کنی. خداوند در آیات قرآنی از فرشتگانی یاد می‌کند که سجدهات خاصی دارند. برخی از فرشتگان برای بارور کردن ابرها و ادها و گیاهان مستند، برخی مسئول جابه‌جایی ابرها، برخی مسئول پخش روزی(ذاریات، آیه ۱)، حاملان دانه‌های باران(همان، آیه ۲)، تقسیم‌کنندگان امور و کارهاهمان، آیه ۴) و مانند آنها هستند. بر اساس برخی از روایات تقسیم روزی که فرشتگان انجام می‌دهند و کارها و امورات برای او مشخص می‌کنند، در این ساعات از روز انجام می‌گیرد. در روایات تفسیری در ذیل آیه ۵۷ سوره بقره «وَأَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْمَنِّ وَالسَّلْوٰی؛ و ما بر شما من و سلوای فرورساندیم» آمده است که زمان نزول آن‌ها در بین‌الطلوعین بوده است. در ذیل آیه ۱۴ سوره ذاریات که خداوند فرموده است: فَلَمَّقُشْتَمِمْ أَهْمُرًا، در روایات متعددی آمده است: این الملائکه تقسیم روزی را در میان بین‌الطلوع فجر الی طلوع الشمس فنم نام ما بینهم نام نم روزها، و روزی که در آن فجر و طلوع خورشید، روزی و روزی این نام است از تقسیم می‌کنند و کسی که در آن زمان در خواب باشد، رزقش را از دست می‌دهد.

همچنین خداوند می‌فرماید: وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكُمْ وَنَسِجْ يَخْضِدْ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ الْإِنبَارِ؛ پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آموزش بخواه و ستایشگر پروردگارت در شامگاهان و ابادمان باش.(غافر، آیه ۵۵) در تفسیر آمده است: «الانبار» بین‌الطلوعین است. میان‌الطلوعین به ویژه برای نماز و سفارش الهی زمان بین‌الطلوعین است.

ساعتی از این طلوع بسیار مهم و ارزشی است و در زندگی انسان بسیار تأثیرگذار است.امام باقر فرمود: **آن ساعت از ساعات بهشت است، لذا در آن ساعت بیماران به هوش می آیند و دردها ساکن می شوند و کسی که شب را نخوابیده در این ساعت به خواب می رود و خداوند این ساعت را در دنیا موجب عافیت و واضح ساخته و برای منکرین آخرت حجتی گردانیده است.**

است؛ زیرا زمانی است که همه چیز از لحظات مشهود است.خداوند می‌فرماید: أَفَمِ الْفَلَاحِ لِلَّذِکَکَ الشَّمْسِ الَّتِی غَسَقَ اللَّیْلُ وَقَرَأَ الْفَجْرَإِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ کَانَ مَشْهُودًا؛ نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب بپار، و نیز نماز صبح را زیرا نماز صبح همواره مقرون با حضور فرشتگان است. (اسراء، آیه ۷۸) علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «الاولک التماس» به معنای زوال آفتاب و ظهر است، «غسق اللیل» به معنای نیمه شب است و «قرآن الفجر» اشاره به نماز صبح است. لذا این آیه شریفه از اول ظهر تا نصف شب را شامل می‌شود، و نمازهای واجب بصره که در بخشی از مناظره خود با اسقف اعظم مسیحی در چهارم خرداد سال ۱۳۰۲ م ظهر و مغرب و عشاء؛ و با انضمام نماز صبح که جمله «قرآن الفجر» دلالت بر آن دارد نمازهای پنجگانه بومیه کامل می‌شود.(ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۲۴۱)

از این آیات به خوبی به دست می‌آید که این ساعات بسیار مهم و ارزشی است و در زندگی انسان بسیار تأثیرگذار است.امام باقر (ع) این ساعات را ساعتی از ساعات بهشت دانسته و در بخشی از مناظره خود با اسقف اعظم مسیحی در خصوص زمان بین‌الطلوعین این گونه فرمود: آن ساعت از ساعات بهشت است، لذا در آن ساعات بیماران به هوش می آیند و دردها ساکن می شوند و کسی که شب را نخوابیده در این ساعت به خواب می‌رود و خداوند این ساعت را در دنیا موجب عافیت و واضح ساخته و برای منکرین آخرت حجتی گردانیده است.
آیات مثبت و منفی خواب و بیداری بین‌الطلوعین

آموزه‌های اسلامی دو دسته آثار مثبت و منفی برای خواب و بیداری در زمان بین‌الطلوعین بیان کرده است. در این ساعت همان طوری که لشکر فرشتگان در آمد و خدمت مستند، لشکر شیطان و ابلیس نیز بسج می‌شوند؛ زیرا آنان نیز می‌خواهند بیداری را از فرصت استغابی در شبانه روز دور نگه دارند. در بعضی از روایات از آن به یادگاری که در زمان غفلت تغییر شده، چنان‌که امام باقر(ع) می‌فرماید:



«اگر انسان در بین‌الطلوعین بخوابد رزق او به جای آنکه در دستش قرار گیرد در دست دیگری قرار می‌گیرد و می‌بایست برای یک لقمه نان و کسب یک دانش و علم به دیگری رو اندازد تا رزوی خودش را بازپس گیرد.»

«ابلیس ملعون لشکریان خویش را در دو وقت: هنگام طلوع خورشید و غروب آن، برانگه می‌سازد، چراکه این دو زمان، دو زمان غفلت است.»(کافی، ج ۲، ص ۵۲۲، حدیث ۲)

در روایات است که «در ساعات اولیه شب بخوابید و بین‌الطلوعین بیدار باشید (من‌لایحضره‌الغفیه- جلد۴- ص ۲۰) تا از آثار و برکات بیداری در این ساعات بهره مند شوید.

الف: آثار و برکات مثبت بیداری در بین‌الطلوعین: در آیات و روایات آثار و

معارف Maaref@Kayhan.ir

«اگر انسان در بین‌الطلوعین بخوابد رزق او به جای آنکه در دستش قرار گیرد در دست دیگری قرار می‌گیرد و می‌بایست برای یک لقمه نان و کسب یک دانش و علم به دیگری رو اندازد تا رزوی خودش را بازپس گیرد.»

جای آنکه در دستش قرار گیرد در دست دیگری قرار می‌گیرد و می‌بایست برای یک لقمه نان و کسب یک دانش و علم به دیگری رو اندازد تا رزوی خودش را بازپس گیرد.(همان، پیشین)

۶- **بدنامی و رسوایی:** از دیگر آثار منفی خوابیدن در این ساعات آن است که اگر گناه و خطایی کرده باشد، خداوند در مقام ستایرت با او تعامل نمی‌کند و نعمت ستایرت از او سلب می‌شود. این گونه است که در جامعه بائرث خطا و اشتباه و گناهی، رسوا می‌شود. (همان، پیشین)

آثار و برکات بیداری بین‌الطلوعین



■ **خلیل آقا خانی**

«حضرت امام سجاد (ع) به بیداری در بین‌الطلوعین اهتمام داشت و آن را تنها به یاد خدا می‌گذراند و هرگز با دیگران مشغول به صحبت نمی‌شد.

برکاتی برای این ساعات بیان شده است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱- تقسیم روزی: در روایات متعددی خواب بین‌الطلوعین مذمت شده است. مقدر شده است. مژدات الهی بر اساس حکمت و مصلحت است. در آیات قرآنی بیان شده که امور در هر سال در شب قدر ماه رمضان تقدیر می‌شود(سوره قدر، آیات ۱ تا ۵؛ دخان، آیات ۱ تا ۴) امام زین‌العابدین (ع) می‌فرماید: **قَالَ لَا تَنَامَنَّ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَتَأْتِيَ أَكْرَهًا كَمَا لَنْ إِلَهَ يَقْتَسِمَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَزْوَاجَ الْعِبَادِ عَلٰی أَيْدِيهَا يَجْرِبُهَا هِرْزُ قَبْلِ از طُلُوعِ خورشیدِ خواب که من آن را برایت خوب نمی‌دام، زیرا خداوند در آن وقت، روزی بندگانش را به دست ما تقسیم می‌کند، (وسائل‌الشیعه، ج ۶، ص ۴۹۸) امام رضا(ع) نیز می‌فرماید: الملائکه تقسم ارزاق ربی آدم‌سای بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس فنم نام قیام بین‌ها نام نم روزها، و روزی که در آن فجر و طلوع خورشید، روزی و روزی این نام است از تقسیم می‌کنند و کسی که در آن ساعت بیداری می‌کند، هر کس در آن زمان بخوابد، غافل و محروم خواهد شد. (وسائل‌الشیعه ج ۶، ص ۴۹۴)**

۲- رهایی از بلا: از روایات بسیار(ص) یک ذکر ی بیان شده که خواندن آن در این ساعات موجب می‌شود تا از بلاها در آن روز رهایی یابد.(بحارالانوار، جلد ۸۳، حدیث ۲۹۸، حدیث ۵۹) این ذکر در بخش اعمال و آداب این ساعات می‌آید.

۳- حفظ نعمت‌های چهارگانه: بیداری در این ساعات از صبح با ذکر نعمت‌های الهی موجب می‌شود تا آنچه از معرفت خدا، ایمان و اسلام، رزق و ستایرت با خداوند به او داده، حفظ شود.(عواصم‌راوندی، صفحه ۸۱، حدیث ۲۰۴)

۴- خسارت‌های مالی: انسان اگر در این ساعات بیدار بماند و ذکر خاصی را که در اعمال این ساعات آمده بخواند، از زیان‌های مالی و از دست دادن اصل سرمایه درمان خواهد بود. (خصال، جلد ۲، صفحه ۶۲۲ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۴۹، حدیث ۱۱)

ب: آثار منفی خوابیدن در ساعات بین‌الطلوعین:

۱- فقر: از جمله آثار منفی خوابیدن در بین‌الطلوعین می‌توان به فقر و بدبختی و نداری اشاره کرد. در روایت است: **مَا عَجِبَ الْأَرْضُ إِلٰی زَهْرًا وَعَا وَجَلَّ كَمَجِجِجَهَا مِنْ ثَلَاثِ مِثْنِ دِمْ خَرَامٍ يُسْتَفْكَ عَلَیْهَا وَ اغْتِشَالِ مِثْنِ زَبِّي وَ التَّوَمُّ عَلَیْهَا قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ؛ زمین به سوی پروردگارش، فریادی مانند این سه فریاد (از بعد شدت) بر نمی‌آورد، فریاد از خوبی که به ناخوش بر روی او می‌ریزد، آید غسلی که با عمل زنا ریخته می‌شود، خوابی که پیش از طلوع خورشید باشد. (من‌لایحضره‌الغفیه، ج ۴، ص ۱۲۰) عمرو بن‌مؤمنان (ع) نیز می‌فرماید: **أَنْ التَّوَمُّ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ طُلُوعِ الْعِشَاءِ يُوْرَثُ الْفَقْرَ وَ شَتَاتِ الْأُمْرِ؛** خواب پیش از طلوع خورشید و نیز خواب قبل از نماز شفاء، باعث فقر و پشیمانی امر می‌شود.(مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۱۱۰)
۲- بلا: بر اساس آنچه بیان شد به خوبی معلوم می‌شود که خوابیدن در هنگام بین‌الطلوعین موجب جلب بلا و مصیبت است؛ زیرا اگر بیداری موجب رهایی و دفع و رفع بلاست، خواب عامل جذب آن خواهد بود.**

۳- گورلدن: بر اساس روایاتی که در امیرمؤمنان (ع) وارد شده کسی که در این ساعات می‌خوابد گرفتار گورلدن می‌شود و معرفت الهی از دل او می‌رود. (عواصم‌راوندی، صفحه ۸۱، حدیث ۲۰۴ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۸۲، حدیث ۴۵ با اندکی تفاوت)

۴- کفر و بی‌ایمانی: بر اساس همین روایت پیش گفته کفر و بی‌ایمانی محصول خوابیدن در این ساعات از شبانه روز است. (همان، پیشین)

۵- زیان به دیگری برای رزق: اگر انسان در این ساعات بخوابد رزق او به

بسیار ملعون لشکریان خویش را در دو وقت: هنگام طلوع خورشید و غروب

معارف Maaref@Kayhan.ir

تلاش فراوان کند.(خصال، ج ۲، ص ۶۲۲؛بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۴۹، حدیث ۱۱)
شسبیار مناسب است که در این وقت مقداری قرآن همراه با تدبیر و اندیشه بخواند و با آیات آن روح و جان خود را تازه کند و نیز مناسب است دعای صباح امیرمؤمنان علی(ع) را در این وقت بخواند.

در مفتاح الجنان اذکار عام و خاصی به عنوان تعقیبات مشترکه و خاصه در همان آغاز مفتاح الجنان آورده شده است.

آثار فیزیولوژیک خواب بین‌الطلوعین

متاسفانه افراد بسیاری این گونه مسائل را صرفاً به عنوان دستورالعمل‌های ارشادی و اخلاقی قلمداد می‌کنند، در حالی که این دستورات صد در صد کاربردی هستند و علم روز نیز بر پایبندی به آن‌ها تأکید فراوان دارد و به کار بردن آن‌ها فواید جسمی و روحی زیادی برای انسان به ارمغان می‌آورد. به عنوان نمونه یکی از فواید فیزیولوژیک بیداری بین‌الطلوعین این است که هورمونی در بدن به نام هورمون رشد(سوماتوتروپ) وجود دارد که بیشترین میزان ترشح آن حدود دو ساعت بعد از غروب آفتاب می‌باشد؛زیرا بدن انسان یک فیزیولوژی خاصی دارد که با عالم هماهنگ می‌باشد) و در روایات آمده که همان ساعت بخوابید. اینک خواب کافی در زمان مناسب، باعث بلندی قد می‌شود، به این دلیل است که در اوایل شب، این هورمون ترشح می‌شود و اگر کسی سر شب بخوابد، رشد متناسب و متعادلی پیدا می‌کند.

*** رزق و روزی تنها منحصر به جنبه مادی نیست و هر خیری اعم از مادی و معنوی ،روزی محسوب می‌شود به طور مثال شنیدن حرف خوب، کسب آگاهی و علم جدید، داشتن دوست و همسایه خوب، پیدا کردن حال دعا و رقت قلب معنوی، توفیق و گردشایی از خلق و کمک به نیازمندان و صدها وبلکه هزاران مصداق برای روزی وجود دارد که چه بسا فرد، خودش متوجه به دست آوردن آن‌ها نشود. همچنین خرج های بی مورد، ضررها، بیماری‌ها و موفقیت تحصیلی فرزندان و ... همگی می‌تواند بسیار پر هزینه باشد که به برکت بهره های معنوی چه بسا این گونه هزینه ها به سراغ فرد نیاید و این چنین، انسان بهره مند از برکت و روزی شود.**

اما یک سری از هورمون‌های استرس را وجود دارند(البته در جای خود مفید می‌باشند) که به آن‌ها «کورتیکوستروئید» گفته می‌شود، مانند هورمون «گورتیزول». بیشترین میزان ترشح این هورمون‌ها دو ساعت قبل از طلوع آفتاب می‌باشد؛ یعنی دقیقاً هنگام بین‌الطلوعین (از طلوع فجر تا طلوع آفتاب). اینک خواب بعد از اذان صبح، باعث ناراحتی و کسلی و پشیمانی انسان می‌شود، ولی بیدار شدن در موقع اذان حالت شادابی می‌آورد، به خاطر ترشح این هورمون‌هاست. همچنین اگر زمانی که این هورمون‌ها حداکثر ترشح خود را دارند، انسان خواب باشد، احتمال سکنه زیاد است. لذا به گفته متخصصان بیشترین آمار مرگ در خواب، در ساعات بین‌الطلوعین می‌باشد.

اگر همین مسئله یعنی نخوابیدن بین‌الطلوعین را یک پزشک به ما توصیه می‌کرد، با شوق و اطمینان بیشتری به آن عمل می‌کردیم، زیرا به کاربردی بودن آن معتقد بودیم، اما دستورات دینی را به عنوان مسائل صرفاً اخلاقی پنداشته و کمتر به آن توجه می‌کنیم. حضرت امام سجاد(ع) به بیداری در بین‌الطلوعین اهتمام داشت و آن را تنها به یاد خدا می‌گذراند و هرگز با دیگران مشغول به صحبت نمی‌شد. (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۹۱، حدیث ۵۹ با اندکی تفاوت)

قیهتبان شیعه در بحث از آداب بیبا – به استناد احادیثی – کراهت معامله و تجارت در زمان بین‌الطلوعین یادآور شده و بین‌الطلوعین را زمان دعا وعبادت دانسته‌اند(تهذیب، شیخ طوسی، ج ۷، ص ۱۸، ترقایی، احمد، مستندالشیعه، ج ۱۴، ص ۲۵) ووقف در مشعر، در بین‌الطلوعین روزی از آن مکان حج شمرده شده است. (مستند الشیعه، ترقایی، نراقی، ج ۱۲، ص ۲۴۹)

منظور از وسعت روزی چیست؟

چنانکه گذشت بیداری بین‌الطلوعین دارای آثار و فواید بسیاراست که از مهمترین آن‌ها تقاضای درونی وروحی، طول عمر، برکت و وسعت روزی ... می‌باشد. این برکت و وسعت روزی حتی برای کسانی که حقوق ثابت ودر آمد مشخص دارند نیز مطرح است. اما درخصوص افزایش روزی ممکن است برای عده‌ای این سوال پیش آید که با وجود مداومت بر این بیداری، افزایش محسوسی در روزی درآمد خود مشاهده نمی‌کنند وهمان‌گونه درآمد ویول و خرجی روزانه می‌رسد، در پاسخ باید گفت که روزی تنها منحصر به جنبه مادی نیست و هر خیری اعم از مادی و معنوی، روزی محسوب می‌شود به طور مثال شنیدن حرف خوب ،کسب آگاهی و علم جدید، داشتن دوست و همسایه خوب، پیدا کردن حال دعا و وقت قلب معنوی، توفیق گره گشایی از خلق و کمک به نیازمندان و صدها وبلکه هزاران مصداق برای روزی وجود دارد که چه بسا فرد خودش متوجه به دست آوردن آن‌ها نشود. همچنین خرج های بی مورد، ضررها، بیماری ها و موفقیت تحصیلی فرزندان و ... همگی می‌تواند بسیار پر هزینه باشد که به برکت بهره های معنوی چه بسا این گونه هزینه ها به سراغ فرد نیایندواین چنین، انسان بهره مند از روزی شود.

آیت‌الله بهجت و درمان دردها با نماز و بیداری بین‌الطلوعین
نگارنده به یاد دارد روز شنبه ۲۸ اسال ۱۳۷۹، ۱۰ شعبان بود که شخصی برای درمان آرتروز(آقای بهجت (ره) سابق) درآم، ایشان پاسخ دادند که بر نماز اهتمام داشته باش و پس از نماز صبح در بین‌الطلوعین بیدار باش و در این ساعت بیرون برو و در بیرونی تعقیبات را انجام ده و بپایه روز کن! (به نظر من جفته خوب بود، من وقتی در اتاق هستم خوابم می‌برد و نمی‌توانم این یک ساعت و نیم بین طلوع فجر و اذان صبح تا طلوع خورشید را بیدار بمانم، از این رو آیت‌الله پیشنهاد بیرون رفتن و پیاده روی و انجام تعقیبات در هوای بیرون اقل را به این جوان داده بود.) سپس او پرسید: کیولی هستی؟ جوان پاسخ داد: آبله تپریز. آیت‌الله فرمود: خبیا هوای آنجا زیاد هم سرد نیست. در این ساعت بیرون باش و تعقیبات را در بیرون انجام بده! جوان پرسید: دیگر چه کاری کنم؟! آیت‌الله فرمود: همین کار را انجام بده! جوان گویي به پالسختن نرسیده باشی دوباره پرسید: اگر نشد باز خدمت برسم؟! آیت‌الله سکوت کرد و به مسیّرش ادامه داد. آنجا بود که یاد اشکالات بنی‌اسرائیل و داستان گاو افنم، هر چه بیشتر بررسی کار را بر خود سخت می‌کنی.

ملاذلاتالذین» اگر لود و پناهندگی به حق نباشد از شر شیطان کسی در امان نیست. قرآن کریم در آیه شریفه سوره شمشاد علت انجام عمل زشت کم‌فروشی را عدم اعتقاد به معاد می‌داند و می‌فرماید که اگر اینها حتی گمان هم داشتند که قیامتی واقع می‌شود، دست به چنین اعمالی نمی‌زدند، و این عمل آنها نشان دهنده این است که اعتقادشان نیز سست و بی‌پایه است. و اگر ظن به معنای سنگین، بندگان خدا را از کسی در شغل خود کم‌کاری کند، در ردیف مظلمین باشد و آیات نکوشتی کندند او از این شامل گردد.
مجموعه این روند همان عبودیتی است که در کلام علی (ع) آمده است، حضرت فرمود: «من احب الدینارو الدر هم فهو عبدالدنیا» کسی که پول دوست باشد، به جای «عبدالله» شدن، «عبدالدینار» می‌شود. با این تعبیر که فرمود:«تعبد اولی‌الدنیا لاعتبد» یعنی چنین آدمهایی خیلی سنگین، بندگان خدا را از کسی در شغل خود کم‌کاری کنند، و این خضوع تام نیز مسئله اطاعت و اطاعت جوارح را در بر خود شامل دانست.

صاحبخانه نمان نمانند که کسی هست که این کارها را می‌کند، به خیال خودش نسیمی بود که نگذاشته نماند چراغ روشن شود، بالاخره چون دید چراغ روشن نمی‌شود و دیگر صدای با هم نمی‌آید آرام خوابید و دزد هم به خوبی کار خودش را کرد و رفت. می‌گردن بدباید در عالم معنی هم همین است، اگر شیطان در جا کار کرد کجا می‌گذارد کسی متوجه نشود، ذکر مال لال تقواست، اگر تقوا نباشد هزار تذکر هم پیش بیاید بیانی نمی‌شود.

نمی‌بینید در مجال‌ها و منازعه‌ها هنگام قضیه صد تذکر هم پیش بیاید نمی‌فهمد، چون در دام شیطان است وشیطان در دلش جا کرده است، هر چه در کارش آید برایش اسم خود را می‌بمیزد و امام را بیابوردن فایده ندارد زیرا شیطان نمی‌گذارد یا خدا او را متذکر کند، چون تقوا ندارد.

۸ صفحه

سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۹۳
ذیقعد ۱۴۳۵ – شماره ۲۰۸۶۲



چراغ راه

لزوم تعامل سازنده با مردم

قال الامام علی(ع): «ولا تكون علیهم سبعا ضاریا تغتمن اکلهم، فانهم صنفان: اما ائ لك فی الدین، و اما نظیر لك فی الخلق»
علی(ع) خطاب به مالک اشتر فرمود: با مردم همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، بدان که مردم دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند، و اگر کسی در برادر نوعی تو (آنان هم انسانند). ۱

۱-تهج‌البلاغه- نامه ۵۳

حکایت خوبان

ذخیره‌سازی برای آینده

امام صادق (ع) می‌فرماید: از نزدیک‌ترین یاران پیامبر(ص) که شما آنها را به فضل و زهد و تقوا می‌شناسید، مسلمان و ابوذر هستند. شیوه مسلمان چنین بود که هرگاه سهمیه سالانهای را از بیت‌المال دریافت می‌کرد، مخرج یک سائلس را ذخیره می‌نمود تا زمانی که در سال آینده نوبت سهمیه‌اش برسد. به او اعتراض کردند که تو با این همه زهد و تقوا در فکر ذخیره آیندات هستی!

شاید امروز و فردا مرگ تو برسد! مسلمان در جواب می‌فرمود: شما چرا به مردن فکر می‌کنید و به باقی ماندن نمی‌اندیشید؟ ای انسانهای جاهل! شما از این نکته غفلت می‌کنید که نفس انسان اگر به مقدار کافی وسیله زندگی نداشته باشد، در اطاعت حق کندی و کوتاهی می‌کند و نشاط و نیروی خود را در راه حق از دست می‌دهد؛ ولی همین قدر که به اندازه نیازش وسیله و مال دنیا فراهم شد با اطمینان و آرامش بیشتری به اطاعت حق می‌پردازد. (۱)

همچنین امام صادق(ع) فرمود:«لاخیر فیمن لایحب جمع المال من حلال یکتف به وجهه و یقتنی به دینه و یصل به رحمه؛(۲) کسی که از راه حلال و به انگیزه حفظ آبرو و ادای قرض و رسیدگی به خانواده و فاقیل به دست آوردن مال را دوست نداشته باشد، در او هیچ خیری نیست.»

۱) وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۳۵

۲) الکافی، ج ۵، ص ۷۲

پرسش و پاسخ

کم‌فروشی عامل فساد

پرسش:

کم‌فروشی چه تأییراتی در روابط اقتصادی جامعه به همراه دارد و در قرآن کریم و روایات چه تعبیری درباره آن به کار رفته است؟

پاسخ:

روابط اقتصادی در مهم‌ترین مسایل اجتماعی ملاحظه است که سلامت یا بیماری آن، تقاضای اساسی در زندگی آنها ایفا می‌کند و هر مکتبی بدون استئنا برای تنظیم آن، برنامه‌ریزی کرده است. در ادیان الهی این گونه روابط براساس اقامه عدل و قسط بی‌ریزی شده و هر کس برخلاف آن عمل کند، در واقع، اساس عدالت را متزلزل ساخته است، از این رو اخلاخل‌گراان اقتصادی، با عنوان مظلمین مورد شدیدترین خطلها قرار گرفته‌اند. خداوند متعال در سوره مظلمین آیات ۱ و ۶ تا ۱۰ می‌فرماید:

«وای بر کم‌فروشان! آنان که وقتی برای خود بیمانه می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند، اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران بیمانه یا وزن کنند کم می‌گذارند! آیا آنها گمان نمی‌کنند که برای روزی بزرگ برانگیخته می‌شوند، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار می‌ایستند؟
همچنین خداوند متعال در سوره هود آیه ۸۵ از زبان حضرت شعیب تمام هدید و اجناس مردم را کم نهید و در زمین به فساد برخیزید.»

از منظر روایات امام باقر(ع) درباره تفسیر «ویل للمظلمین» فرموده است: «خداوند برای عیب‌کس «ویل» قرار ندهد، جز اینکه او را کافر نامیده است، چنان که فرموده «فویل للذین کفروا...» (مریم- ۳۸) (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲) بنابراین کم‌فروشان به عنوان اخلاخل‌گراان اقتصادی در ردیف کافرند.

از سوی دیگر، کم‌فروشی و هر زمن نظم اقتصادی، آثار وضعی ناهنجاری در پی دارد که یکی از آنها فحطی و خشکسالی است. پیامبر اسلام(ص) فرمود: کم‌فروشی نکردن، مگر اینکه زراعت آنها از بین رفت و قحطی آنان را فرا گرفت. (تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۴۴)
براین اساس، رهبران واقعی مردم، مبارزه با گران‌فروشی و کم‌فروشی و هرگونه بی‌عدالتی در روابط اقتصادی را جدی می‌گیرند. در این رابطه امام باقر(ع) می‌فرماید: هنگامی که علی(ع) در کوفه بود، هر روز صبح به بازارهای کوفه می‌آمد و بازار به بازار می‌گشت و تازیانهای بر دوش داشت و وسط هر بازار می‌ایستاد و صدا می‌زد؛ ای گروه تجار از خدا ترسیدای هنگامی که آنان بانگ حضرت علی(ع) را می‌شنیدند، هرچه در دست داشتند بر زمین گذاشته و با تمام دل به سخنان آن حضرت گوش می‌دادند، پس می‌فرمود: «از خداوند خیر بخواید و با آسان گرفتن کار بر مردم برکت بجویید و به خریداران نزدیک شوید، حلم را زینت خود قرار دهید، از سوگند بپرهیزید، از دروغ اجتناب کنید، از ستم‌کناره بگریزد و با مظالمون با انصاف رفتار کنید و به پرا نزدیک نشوید، بیمانه و وزن را به طور کامل ادا کنید، و کالی مردم را کم نگذارید و در زمین فساد نکنید»(کافی، ج ۵، ص ۱۵۱)

البته بعدی نیست که شمولیت کم‌فروشی و کم دادن، علاوه بر معاملات، در سایر حوزه‌ها مثل بخش خدمات و کارهای اداری، سیاسی و فرهنگی نیز جاری است. کم‌فروشی، بی‌انصافی است که موجب این است که شهودت عقلش را بدرن، و دنیا بچین باشد، معنای آیه این می‌شود که چون اینها به معاد و قیامت یقین ندارند به چنین اعمالی دست می‌زنند.

سلوک عارفانه

سالک درهم و دینار

(بدان ای عزیز سالک)، درپی «التنا ذات نفسانیه» و «مشتهیات نفس» حب به آنها پدید می‌آید و این حب بر دل انسان غلبه پیدا می‌کند، در این حالت دل مقهور آنها شده و تحت سلطه آن لذائذ قرار خواهد گرفت. یعنی دل در نتیجه کثرت التناذ از مبادیات نسبت به این امور مادیه و طبیعی، «خضوع تام» پیدا می‌کند و این خضوع تام نیز مسئله اطاعت اعضا و جوارح را در بر خود شامل دانست.

مجموعه این روند همان عبودیتی است که در کلام علی (ع) آمده است، حضرت فرمود: «من احب الدینارو الدر هم فهو عبدالدنیا» کسی که پول دوست باشد، به جای «عبدالله» شدن، «عبدالدینار» می‌شود. با این تعبیر که فرمود:«تعبد اولی‌الدنیا لاعتبد» یعنی چنین آدمهایی خیلی سنگین، بندگان خدا را از کسی در شغل خود کم‌کاری کنند، و این خضوع تام نیز مسئله اطاعت و اطاعت جوارح را در بر خود شامل دانست.

صاحبخانه نمان نمانند که کسی هست که این کارها را می‌کند، به خیال خودش نسیمی بود که نگذاشته نماند چراغ روشن شود، بالاخره چون دید چراغ روشن نمی‌شود و دیگر صدای با هم نمی‌آید آرام خوابید و دزد هم به خوبی کار خودش را کرد و رفت. می‌گردن بدباید در عالم معنی هم همین است، اگر شیطان در جا کار کرد کجا می‌گذارد کسی متوجه نشود، ذکر مال لال تقواست، اگر تقوا نباشد هزار تذکر هم پیش بیاید بیانی نمی‌شود.

نمی‌بینید در مجال‌ها و منازعه‌ها هنگام قضیه صد تذکر هم پیش بیاید نمی‌فهمد، چون در دام شیطان است وشیطان در دلش جا کرده است، هر چه در کارش آید برایش اسم خود را می‌بمیزد و امام را بیابوردن فایده ندارد زیرا شیطان نمی‌گذارد یا خدا او را متذکر کند، چون تقوا ندارد.

۱- رسائل‌ بندگان، آیت‌الله شیخ مجتبی‌ تهرانی، ص ۱۰۴